

مبانی دینی سرمایه اجتماعی و رابطه آن با حکمرانی خوب

تاریخ دریافت: ۹۴/۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۹۴/۳/۸

محمد علینی*

غلامرضا غفاری**

علیرضا زهیری**

بحث سرمایه اجتماعی مبحثی نوظهور است که از دهه ۱۹۷۰ در ادبیات توسعه در کنار سایر سرمایه‌ها - فیزیکی، انسانی و اقتصادی - مطرح شده است و مفهومی میان‌رشته‌ای به‌ویژه در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد و جامعه‌شناسی است؛ اما مفهوم آن که به روابط و پیوندهای انسان‌ها مربوط می‌شود و موجب همکاری متقابل آحاد جامعه و استحکام پایه‌های اجتماع و سیاست می‌گردد، در آموزه‌های دینی به‌ویژه دین اسلام به‌وفور یافت می‌شود. آموزه‌های دین اسلام در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و مناسکی آن منجر به پیدایی و تقویت سرمایه اجتماعی در شکل درون‌گروهی در مرحله اول و برون‌گروهی در مرحله بعد می‌گردد.

همچنین میان حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی پیوند وثیقی وجود دارد. مهم‌ترین جنبه الگوی حکمرانی خوب، ابتدای آن بر مشارکت فعال مردم و نهادهای مدنی است که آنان بخشی از حکمرانی تلقی می‌شوند. قابل ذکر است آنچه اهمیت بیشتری دارد کیفیت این بخش از حکمرانی است؛ چرا که در این الگو صرفاً مشارکت مردم مورد توجه نیست،

* دانشجوی دکتری دین پژوهی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

** دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

*** دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و پژوهشگر پژوهشگاه علوم و اندیشه سیاسی.



بلکه کیفیت مردم و نهادهای مدنی و مناسبات و ارتباط آنها و به عبارتی سرمایه اجتماعی است که بسیار مهم محسوب می‌گردد. پرسش اصلی این مقاله آن است که دلالت‌های مفهومی سرمایه اجتماعی در مجموعه آموزه‌های دین اسلام کدام است و رابطه سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب چیست؟

کلیدواژگان: سرمایه اجتماعی، حکمرانی خوب، آموزه‌های دین اسلام، همبستگی اجتماعی و سیاسی.

مقدمه

انسان‌ها از طریق روابط با یکدیگر در صدد تأمین نیازمندی‌ها و محقق ساختن اهداف خود می‌باشند؛ از این طریق پدیده‌ای به نام «جامعه»^۱ شکل گرفته است. برقراری رابطه افراد موجب تبادل اطلاعات بین آنان می‌شود. هرچه روابط افراد جامعه از استحکام بیشتر و کیفیت بالاتری برخوردار باشد و به صورت نظام‌مندتر و هماهنگ‌تر عمل کنند، به اهداف جمعی در زمان کوتاه‌تر و با صرف هزینه کمتر دست پیدا خواهیم کرد. در این حالت می‌توان شاهد شکل‌گیری «سرمایه اجتماعی»^۲ بود که در واقع ترکیب ویژه روابط اجتماعی و سیاسی و نیز کیفیت این روابط می‌باشد.

عوامل متعددی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی تأثیرگذارند که یکی از عوامل مهم و اساسی دین و آموزه‌های دینی است. به هر حال به نظر می‌رسد دین چه از طریق حضور افراد در مراکز مذهبی و فعالیت‌های اجتماعی و تحکیم روابط اجتماعی و چه از طریق اهمیت دادن فرد مؤمن به ابعاد و عناصر دین می‌تواند حس اعتماد، پیوند، هویت مشترک، همبستگی اجتماعی و روحیه همکاری و تعاون اجتماعی را در افراد ایجاد کند که این عناصر از مظاهر و پیامدهای سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردند.

آنچه پژوهش حاضر در پی آن است در مرتبه نخست، شناسایی سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن در آموزه‌های دین اسلام و در مرتبه بعد، بیان رابطه سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب است و این مسئله اهمیت می‌یابد که سرمایه اجتماعی با دارا بودن چه عناصر و ویژگی‌هایی می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری حکمرانی خوب را فراهم سازد. پرسش اصلی این مقاله آن است که «دلالت‌های مفهومی (سنجه‌های) سرمایه اجتماعی

1. Society.
2. Social Capital.

در مجموعه آموزه‌های دین اسلام کدام‌اند و رابطه سرمایه اجتماعی با حکمرانی خوب چیست؟»

سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب

امروزه حکومت‌ها در پی آن‌اند از طریق دخالت بیشتر مردم در حکمرانی، نه تنها مشروعیت خود را فزاینده سازند، بلکه به بهبود حکمرانی یاری رسانند. بی‌گمان در چنین شرایطی به مردم به دیده سرمایه اجتماعی می‌نگرند، نه ابزار حکومت.

نهادهای بین‌المللی در پاسخ به اوضاع نامطلوب جوامع در حال توسعه حکمرانی خوب را مطرح کردند. این الگو بیشتر بر مهندسی اجتماعی تکیه داشت تا بر مهندسی فنی. الگوهای مهندسی اجتماعی بر رویکردهای شهروندمدار تأکید داشت و بخشی از حکمرانی را بر عهده شهروندان و به تعبیری جامعه مدنی می‌گذاشت. در الگوهای جدید، نحوه تعامل دولت و شهروندان از اهمیت خاصی برخوردار است و دولت‌ها بازیگر اصلی به شمار نمی‌آیند؛ بلکه بازیگران مختلفی از جمله دولت، نهادهای مدنی و شهروندان سهمی در حکمرانی دارند. بانک جهانی نیز در توضیح این الگو بیان می‌دارد که وادار کردن دولت به پاسخگویی بیشتر در برابر نیازهای مردم و نزدیک‌تر کردن دولت و مردم از طریق مشارکت‌های گسترده‌تر و تمرکززدایی علاوه بر توانمندسازی حکومت، قابلیت‌های آن را نیز افزایش می‌دهد (The World Bank, 1997, p.2-3).

برخی معتقدند حکمروایی یا حکمرانی خوب عبارت است از «مدیریت مؤثر اقدامات عمومی از طریق ایجاد یک رژیم (مجموعه‌ای از قوانین و مقررات) که به عنوان نقطه آغاز جهت ارتقا و پیاده‌سازی ارزش‌های اجتماعی ایجادشده از طرف تک‌تک افراد و گروه‌های اجتماعی پذیرفته شده است» (اسماعیل‌زاده و همتی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). این تعریف دربردارنده جنبه هنجاری مفهوم حکمرانی و ماهیت روابط صاحبان قدرت و اقشار مختلف مردم می‌باشد.

حکمرانی خوب در گزارش سازمان ملل در مورد توسعه اقتصادی تاجیکستان عبارت است از نظامی از ارزش‌ها، سیاست‌ها و نهادها که با آن جامعه و سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق تعامل سه بخش دولت و خصوصی و مدنی مدیریت می‌کند. در تعریف دیگری حکمرانی خوب شامل سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که به واسطه آنها، شهروندان و گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال و حقوق قانونی خود را اجرا می‌کنند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند (قلی‌پور، ۱۳۸۳،

نکته کلیدی این نظریه تعامل و همکاری سه بخش دولتی و خصوصی و نهادهای مدنی است که بر نظام شراکتی تأکید دارد و از طریق دخالت دادن مردم در حکمرانی ابعاد حکمرانی را توسعه می‌دهد و امکان توزیع قدرت را فراهم می‌آورد و مشتمل بر یک استراتژی اصلاحی وسیع برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است. در واقع می‌توان گفت پیش از این، تعریف حکمرانی فقط به دولت مربوط و آن را شامل می‌شد؛ حال آنکه در کاربرد جدید علاوه بر دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی را نیز در بر می‌گیرد.

حکمرانی خوب به عنوان یک موضوع مستحدثه از حیث ساختاری دو جنبه دارد؛ یکی اینکه بر نقش مشارکتی مردم در حکمرانی تأکید دارد و دیگر اینکه الگوی مشارکت را بر مبنای یک الگوی سه وجهی از حکومت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی قرار می‌دهد که هر کدام نقش و وظایفی بر عهده دارند. درباره جنبه نخست در متون دینی نشانه‌های فراوانی وجود دارد که به آنها اشاره خواهد شد؛ اما جنبه دوم کمتر مورد توجه نصوص واقع شده است. این امور به‌طور معمول در یک دوره تاریخی به عنوان یک تجربه بشری بروز و ظهور یافته است. بهره‌گیری امام خمینی علیه السلام از الگوی جمهوریت اینگونه است.

امام خمینی علیه السلام به عنوان یک عالم دینی با خوانشی که از دین داشت، به تأسیس حکومت اسلامی مبادرت ورزید و برای مردم در تعیین سرنوشت کشور و تعیین برخی کارگزاران حکومت و نظارت بر مسئولان و نهادهای حکومت و سرانجام دخالت در امور عمومی کشور جایگاه ویژه‌ای قایل بود. وی معتقد است که «مملکت باید با دست خود مردم، با دست خود اشخاص اداره شود. شهرها باید به توسط خودتان اداره بشود، توسط خودتان آباد بشود» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۳۳۷) و «امروز مسئولیت به عهده ملت است» (همان، ج ۱۲، ص ۱۸۱). از این رو الگوی جمهوریت را که یک تجربه مقبول بشری بود، به کار گرفت.

تلاش برای تفکیک نقش‌ها و تقسیم وظایف و واگذاری برخی امور توسط حاکم به مردم ظهور و بروز حکمرانی حکومت است تا علاوه بر جلوگیری از تمرکز قدرت، اداره عمومی بهبود بیشتری یابد. این موضوع مورد اهتمام آموزه‌های دینی نیز بوده است.

اقامه قسط در آیه «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (حدید: ۲۵) آشکارا بر عهده مردم گذاشته شده است. تفسیر نمونه اشاره دارد که این آیه از خودجوشی مردم حکایت می‌کند. این آیه نمی‌فرماید که هدف این بوده که انبیا



انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند؛ بلکه می‌گویند هدف این بوده که مردم مجری قسط و عدل باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۷۲). اگرچه حاکم و مردم توأمان اقامه قسط را بر عهده دارند، آیه به‌روشنی از دولت هدایتگر سخن می‌گوید که مسیر هدایت را بر پایه بینات و کتاب و میزان معین می‌کند و از مردم می‌خواهد خود امور را بر عهده گیرند و از جمله عدالت را که اساس حکومت اسلامی است، رونق بخشند. اطلاق کلمه «بالقسط» گویای آن است که عدالت همه امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در برمی‌گیرد.

مناسبات میان حکومت و مردم و کیفیت آن مورد توجه اندیشه حکومتی امام علی علیه السلام بوده است. شهید مطهری در کتاب سیری در نهج‌البلاغه چنین می‌گوید: یکی از چیزهایی که رضایت عموم مردم بدان بستگی دارد، این است که حکومت با چه دیده‌ای به توده مردم و به خودش نگاه می‌کند؛ با این چشم که آنها برده و مملوک و خود مالک و صاحب اختیار است و یا با این چشم که آنها صاحب حق‌اند و او خود، تنها وکیل و امین و نماینده است؟ در صورت اول، هر خدمتی انجام دهد از نوع تیماری است که مالک یک حیوان برای حیوان خویش انجام دهد و در صورت دوم از نوع خدمتی است که یک امین صالح انجام می‌دهد. اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم و احتراز از هر نوع عملی که مشعر بر نفی حق حاکمیت آنها باشد، از شرایط اولیه جلب رضا و اطمینان آنان است (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۴۴۱). از این دو - حکمران و مردم - اگر بناست یکی برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران (همان، ص ۴۴۹).

امیرمؤمنان علیه السلام بارها از حقوق متقابل مردم و حاکمان یاد کرده است. یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه علاوه بر بیان رابطه مردم و حکومت به برخی کارویژه‌های آنان چنین اشاره دارد: «ایها الناس انی لی علیکم حقاً و لکم علیّ حقٌّ فَأَمَّا حَقُّکُمْ عَلَیّ فَالنَّصِیْحَه لکم و توفیر فیئکم علیکم و تعلیمکم کیلا تجهلوا و تأدیبکم کیما تعلموا»: ای مردم به‌درستی که مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی. حقی که شما بر من دارید، این است که خیرخواه شما باشم، در راه افزون‌ساختن اموال (اسباب رفاه و آسایش) شما همت گمارم، در امر آموزش شما بکوشم تا از ورطه جهل‌رهایی یابید و به شما آداب (زندگی فردی و سلوک اجتماعی) بیاموزم تا دانا و فرهیخته گردید (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۲، خطبه ۳۴، ص ۶۰).



در مجموع می‌توان گفت حکمروایی یا حکمرانی خوب^۱ بدون وجود اجتماعات و جمع‌هایی که مبتنی بر نظام تعاملات و ارتباطات بهینه باشند، میسر نیست؛ جمع‌هایی که موجد کارایی دسته‌جمعی‌اند. «اجتماعات بخشی از حاکمیت خوب‌اند؛ زیرا گاه به مسائلی می‌پردازند که با عمل افراد تنها یا به وسیله دولت‌ها قابل حل نیست» (باولز، ۱۳۸۹، ص ۳۵۱). به تعبیری جوامع از حل مشکلاتی که بازار و دولت در حل آنها ناتوان‌اند، بر می‌آیند. «اجتماعات قادرند در اعمال حاکمیت در مواردی که قراردادهای بازاری یا احکام دولتی به علت آنکه اطلاعات لازم برای تخصیص و تنفیذ مبادلات و دستورالعمل‌های سودمند به‌طور کارآمد در دسترس قضات، مقامات دولتی و دیگر عوامل خارجی قرار ندارند و با ناکامی روبرو می‌شوند، نقش مهمی ایفا کنند. این به‌خصوص مصداق موردی است که روابط جاری در بین اعضای اجتماع، پشتیبان اعتماد و علایق متقابل یا صرفاً حسن اجرای هنجارهای گروهی متقابل را عملاً تقویت می‌کند» (همان، ص ۳۵۷).

به باور دیوید هلد اگر مردم بدانند فرصت‌هایی برای مشارکت موثر در امر تصمیم‌گیری وجود دارد، معتقد خواهند شد که مشارکت در امور کاری ارزشمند است و فعالانه مشارکت خواهند کرد و تصمیم‌گیری‌های دسته‌جمعی را اجباری قلمداد خواهند کرد. وی دموکراسی مشارکتی را موجب تسریع تکامل انسان، ارتقای احساس سودمندی سیاسی، کاهش احساس بیگانگی از مراکز قدرت، تقویت مسائل دسته‌جمعی و کمک به شکل‌گیری شهروندانی فعال و آگاه و دلبسته به امور حکومتی می‌داند (هلد، ۱۳۸۴، ص ۳۹۲).

بدین ترتیب برای تأسیس حکمرانی خوب می‌بایست با تکیه بر سرمایه اجتماعی یعنی «روابط اجتماعی که قابلیت تولید‌کنندگی افراد و گروه‌های مؤثر» را داراست، اقدام کرد. بدین منظور دولت در حکمرانی خوب می‌بایست در تدوین و مقررات، ضوابط، ارزش‌ها و همچنین مشخص ساختن ارزش‌های ملی و تقویت هنجارهای حاکم بر جامعه دینی نقش ایفا کند. از سوی دیگر جامعه مدنی که بخش دیگری از حکمرانی خوب تلقی می‌شود از طریق تجهیز منابع ملی، تأمین شبکه غیررسمی روابط میان افراد و گروه‌های اجتماعی و تعهد احساسی و درونی مردم بویژه در موضوع «اعتماد»، خودیاری اجتماعی بر عهده گیرد.

با مراجعه به برخی کارویژه‌های حکمرانی خوب، آشکارا تلاقی آن با سرمایه اجتماعی

1. good governance.

خودنمایی می‌کند. به‌طور مثال در ویژگی «مشارکت»، اعضای جامعه به‌صورت مستقیم و یا غیر مستقیم و از طریق نهادهای واسطه‌ی مشروع و یا نمایندگی‌ها، جایگاه سرمایه اجتماعی در حکمرانی خوب مشهود است. همچنین در مورد کارویژه‌های «مسئولیت‌پذیری» افراد و گروه‌های اجتماعی در نهادها و فرآیندهای اجتماعی از یک‌سو، و «اجماع» میان آنان از سوی دیگر اهمیت دارد. حکمرانی خوب مستلزم میانجی‌گری میان دیدگاه‌های مختلف موجود در جامعه به منظور رسیدن به «اجماع» گسترده به نفع کل جامعه می‌باشد که پایه توسعه انسانی پایدار بشمار می‌آید.

این چند ویژگی و دیگر ویژگی‌های حکمرانی خوب از نوع ایدئولوژی بومی می‌باشند که در چارچوب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، مورد تفسیر و بازخوانی قرار می‌گیرند. این موضوع، امکان فهم بیشتری درباره سرمایه اجتماعی مورد نیاز حکمرانی خوب به دست می‌دهد. بنابراین با مراجعه به منابع دینی، ویژگی‌های سرمایه اجتماعی در جغرافیای مذهبی حاصل می‌شود.

سرمایه اجتماعی در آثار جامعه‌شناسان

پیشینه مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک جستجو کرد. دورکیم روابط را منبعی از نظم می‌دانست. تونیس نیز به تمییز بین معاشرت ارادی (گمین‌شافت یا اجتماع) و معاشرت ابزاری (گزل‌شافت یا جامعه) پرداخت. ماکس وبر نیز مباحثی مطرح می‌کند که به مفهوم اعتماد معطوف است؛ یعنی آمادگی افراد برای اینکه در یک متن اجتماعی و در روابط اجتماعی بپذیرند به سایر افراد اعتماد بورزند و به همان نحو، دیگران نیز باید از خود اعتماد نشان دهند. این پیشینه را در آرای جورج زیمل نیز می‌توان یافت؛ وقتی که از مفهوم داد و ستد صحبت می‌کند. به عبارتی دیگر هرچند سرمایه اجتماعی مفهومی نوظهور است، اما ریشه‌های نظری آن در آثار کلاسیک جامعه‌شناسی موجود است. ایده سرمایه اجتماعی به پیوندهای بین سطح خرد تجربیات فردی و فعالیت روزانه و روابط میان نهادها، انجمن‌ها و اجتماع توجه دارد. در ضمن با تعریف پیوندها، به عنوان شکلی از سرمایه، این مفهوم به شکلی گسترده معطوف به مجموعه‌ای از تبیین‌هایی است که می‌تواند سطوح خرد، میانی و کلان را با یکدیگر پیوند دهد. در دوره معاصر تقریباً همه اذعان دارند، این نوشته‌های مؤثر پیربورديو، جیمز کلنن و رابرت پانتام در طرح این بخش نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

بورديو از پیشگامان طرح مفهوم سرمایه اجتماعی است که آن را در طی سال‌های



۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ گسترش داد. وی بر این باور است که میزان سرمایه اجتماعی که یک فرد از آن برخوردار است، بسته به اندازه شبکه ارتباطات وی می‌تواند به‌طور مؤثری تغییر یابد (Bourdieu, 1986, p. 249)

کلمن نیز سرمایه اجتماعی را هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط میان کودکان و جوانانی می‌داند که برای رشد فرد مفید هستند (Coleman, 1990, p.334).

پانتام نظریه پرداز مطرح مفهوم سرمایه اجتماعی و اندیشمند سیاسی قایل است که ایده اصلی نظریه سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌ها دارای ارزش می‌باشند. وی می‌گوید: «روابط اجتماعی در قابلیت تولیدکنندگی افراد و گروه‌ها مؤثر است؛ شبکه‌ها دارای ارزش می‌باشند و روابط اجتماعی در قابلیت تولیدکنندگی افراد و گروه‌ها مؤثر می‌باشند» (Putnam, 2000, p.18). به اعتقاد وی سرمایه اجتماعی به ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل شبکه‌ها و هنجارها و اعتماد اشاره دارد که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را تسهیل می‌کنند. او معتقد است سرمایه اجتماعی سود سرمایه‌گذاری در زمینه سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. همچنین «فرانسیس فوکویاما» سرمایه اجتماعی را مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی می‌داند که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان آنان برقرار است، در آن سهیم‌اند. در ضمن مفهوم سرمایه اجتماعی را در آرای افراد دیگری مانند کلاوس آفه، آلکسی دوتوکویل، اینگلهارت، لوی، فوش، بیکر، شیف و برت می‌توان ملاحظه کرد.

در یک جمع‌بندی در مورد سرمایه اجتماعی می‌توان گفت ادبیات تولیدشده در زمینه سرمایه اجتماعی طی دو دهه اخیر تمامی مشخصات یک مفهوم یا تئوری نو را دارا می‌باشد. تعداد مطالعات نشر یافته در این حوزه به‌سرعت در حال رشد است. بنابراین سرمایه اجتماعی در یک اجتماع شامل مؤسسات، روابط، گرایش‌ها و ارزش‌های حاکم بر روابط افراد و همکاری آنها در توسعه اقتصادی و اجتماعی است؛ نظریه‌ای که در آن روابط اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و ارزش‌های اجتماعی از لحاظ کاربردی و توسعه اجتماع مهم به نظر می‌رسد، در نوشته‌ها و علوم مختلف نظیر جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم سیاسی نیز بیان شده است. این نظریه به‌طور عمده در نوشته‌های محققانی، نظیر جیمز کلمن و رابرت پانتام وجود دارد. آنان و بسیاری از نویسندگان دیگر مبادرت به تعریف نظریه فوق کرده و به‌طور کاربردی و عملی به تعریف حد و مرز این نظریه پرداختند؛ افرادی مثل گروترت - ۱۹۹۷، پورتس - ۱۹۹۸، ول کوک -

۱۹۹۸، نارایان - ۱۹۹۹، سراگلدین و گروترت - ۲۰۰۰، ول کوک و نارایان - ۲۰۰۰ (صالحی امیری و کاوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۸).

سرمایه اجتماعی و دین

آموزش‌های مذهبی به‌طور کلی با اشتغالات مدنی همبستگی دارد. دین موجب می‌شود مردم یکدیگر را بیشتر بشناسند و از ارتباط بیشتری با یکدیگر برخوردار باشند. افراد مذهبی به‌طور مدام در افزایش سرمایه اجتماعی فعال‌اند. ایده‌آل‌های مذهبی منابع قدرتمندی از تعهد و انگیزه هستند. اگر موجود انسانی معتقد باشد که یک نیروی الهی او را هدایت می‌کند، حاضر به فداکاری است. به‌طور کلی درگیری‌های مذهبی، اهمیت زیادی در گروه‌های مدنی دارد. پاتنام معتقد است مذهب خصوصی^۱ ممکن است به‌طور اخلاقی و فیزیکی کامل‌تر باشد، لیکن دربرگیرنده سرمایه اجتماعی نیست. او همچنین معتقد است همه مذاهب به یک میزان در افزایش سرمایه اجتماعی دخیل نیستند؛ برای مثال مسیحیت انجیلی بیشتر درگیر فعالیت‌های درون اجتماع دینی خودشان می‌شوند و کمتر به مسائل اجتماعی گسترده‌تر وارد می‌شوند؛ لذا موجب افزایش سرمایه اجتماعی در سطح جامعه نمی‌شوند (هرچند سرمایه اجتماعی آنان در گروه مذهبی بالا می‌باشد)؛ برعکس پروتستان‌ها بیشتر به شرکت در انجمن‌های داوطلبانه تشویق می‌شوند و به اشتغالات مدنی بیشتر وارد می‌شوند. خلاصه مذهب با تشویق اعضایش به عبادت و گذراندن وقتشان با اعضای خانواده و یادگرفتن درس‌های اخلاقی که در سنت دین موجود است، اثر سودمندی بر جامعه مدنی دارد. سازمان‌های مبتنی بر اعتقادات مذهبی به زندگی مدنی چه به‌طور مستقیم - با حمایت اجتماعی از اعضا و خدمات اجتماعی به جامعه وسیع‌تر - و چه به‌طور غیرمستقیم با پرورش مهارت‌های مدنی، تلقین ارزش‌های اخلاقی، تشویق دگرخواهی و نوع دوستی و تسهیل استخدام اعضای کلیسا در مشاغل مدنی خدمت می‌کنند (همان، ص ۱۳۸).

جیمز کلمن هم به تأثیر ساختارهای مذهبی بر مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی در امریکا می‌پردازد و می‌گوید این ساختارها نه تنها پروژه‌های مذهبی، بلکه منابع سکولار را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهند. او با مقایسه میزان ترک تحصیل دانش‌آموزان مدارس کاتولیک و مذهبی با مدارس عمومی و غیرمذهبی نشان داده است که رابطه چندجانبه‌ای



بین ساختارهای مذهبی و ساختارهای آموزشی وجود دارد. او تصریح می‌کند سرمایه اجتماعی مذهبی تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کاهش میزان ترک تحصیل دانش آموزان دارد. وی علت این امر را سرمایه اجتماعی در دسترس مدارس وابسته به سازمان‌های مذهبی می‌داند و قایل است این امر تا اندازه‌ای به ارتباطات اجتماعی و ساختاری بین مدرسه و والدین از طریق اجتماع مذهبی بستگی دارد (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۹۰).

به هر حال او معتقد است سرمایه اجتماعی مذهبی علاوه بر تشویق افراد به شرکت در سازمان‌های داوطلبانه ممکن است خود موجب بسیج داوطلبانه شود و بر روی دیگر کنش‌ها تأثیر بگذارد؛ زیرا مذهب این پتانسیل را دارد که منبع قدرتمند و پایداری برای سرمایه اجتماعی باشد و دارای اثرهای مطلوب اجتماعی و اخلاقی باشد. او می‌گوید «کسانی که نقش مذهب را بر سرمایه اجتماعی فراموش کرده یا فقط اثرهای منفی آن را می‌بینند، چشم خود را به روی واقعیت بسته‌اند» (Greely, 2002: p.6-8). به نقل از شایگان، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰.

رابطه دین و سرمایه اجتماعی را در دیدگاه‌های گیدنز هم می‌توان دید. دین از نظر او از عوامل مهم اعتمادساز در جوامع پیش از مدرن است. به باور گیدنز دین وسیله سازمان‌دهنده اعتماد به چند شیوه است. افزون بر خدایان و نیروهای مذهبی، کارگزاران مذهبی نیز حمایت‌های قابل اتکا مثبتی را برای مؤمنان فراهم می‌کنند. البته گیدنز معتقد است دین نفوذ دوگانه دارد. باورداشت‌ها و عملکردهای مذهبی پناهگاهی در برابر نامالایمات زندگی روزانه است؛ لیکن می‌توانند سرچشمه ذاتی اضطراب و نگرانی مذهبی نیز باشند. وی در تفاوت جوامع مدرن و سنتی از نظر عوامل اعتمادساز می‌گوید:

بیشتر موفقیت‌های زندگی اجتماعی مدرن با دین به صورت نفوذ حاکم بر زندگی روزانه سازگاری ندارند، اما به نظر می‌رسد که محو کامل اندیشه و فعالیت مذهبی در جهان مدرن رخ نمی‌دهد؛ زیرا دین پاسخگوی برخی از پرسش‌های وجودی می‌باشد که در گذشته هم مطرح بوده و دین به آنها جواب داده است (گیدنز، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳-۱۱۹).

در مجموع می‌توان گفت اکثر جامعه‌شناسان نقش دین را در افزایش ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی مهم می‌دانند. آنان این امر را نه تنها مختص جوامع سنتی نمی‌دانند؛ بلکه معتقدند در جوامع مدرن هم دین به‌ویژه با تشکیل انجمن‌های داوطلبانه نقش بارزی در افزایش اجتماعی دارد. بیشتر صاحب‌نظران در بیان «نقش دین در تکوین سرمایه اجتماعی» دین را از عوامل سازنده کارکردهایی می‌دانند که سرمایه اجتماعی نیز به نوعی

آنها را دارا می‌باشد. آنان با مبنا قراردادن مدل «گلاک و استارک» در تعریف عملیاتی دینداری و دیدگاه اندیشمندان و متفکران جامعه‌شناسی دین درباره کارکردهای دین بیان می‌کنند که دین می‌تواند در انسجام‌بخشی، تسهیل در جامعه‌پذیری، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، تحکیم عواطف مشترک، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی، افزایش آرامش خاطر، تقویت روحیه گروهی، همکاری و تعاون، برقراری کنش‌های اجتماعی مبتنی بر اعتماد و صداقت، تثبیت احساس تعهد و التزام، گسترش و تقویت مشارکت فعالانه نقش مؤثری ایفا کند و مشارکت را صورت سازمانی و نهادی بخشد که پیوند وثیقی با حکمرانی خوب پیدا می‌کند؛ حکمرانی‌ای که به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود.

چارچوب مفهومی

مقصود از آموزه‌های دینی، آموزه‌های دین اسلام به معنای تعالیم، آموزش‌ها و دستورهای اسلام در تمامی ابعاد (اعتقادات و اخلاقیات و احکام) می‌باشد. منظور از مفهوم سرمایه اجتماعی (Social Capital) که مفهومی بین‌رشته‌ای است با رویکرد جامعه‌شناختی و به روابط، پیوندها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، شبکه‌ها و اعتماد اجتماعی مربوط می‌شود که همیاری در گروه‌ها یا بین آنها را تسهیل می‌کند.

درواقع سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه‌های تعامل و تقویت رفتار همیارانه و گسترش آگاهی منافی را برای جامعه ایجاد می‌کند؛ از این‌رو سایر وجوه توسعه به نحو تنگاتنگ به سرمایه اجتماعی وابسته است؛ زیرا سرمایه اجتماعی ربط و پیوندی است که کل جامعه را به هم نگه می‌دارد و در پرتو ارتباطات متقابل موجب نزدیکی انسان‌ها به یکدیگر می‌شود. درضمن مقیاس فرافردی حکمروایی سیاسی مطلوب را در پی دارد؛ چرا که موضوع محوری حکمرانی خوب چگونگی دست‌یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای مردم‌سالار و برابرخواهانه باشد.

با توجه به ادبیات تجربی (پیشینه تحقیق) و مبنای نظری و چارچوب مفهومی پژوهش، تلاش ما در ارائه دست‌گاه مفهومی، رویکرد ترکیبی و تلفیقی از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان در حوزه سرمایه اجتماعی است تا با مراجعه به متن قرآن و روایات متوجه شویم آموزه‌های دین اسلام تا چه اندازه دست‌گاه مفهومی و مدل ارائه‌شده را حمایت می‌کنند و با آن هماهنگ‌اند.



بُعد ذهنی (شناختی)		بُعد عینی (ساختاری)						ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی		مؤلفه‌ها و شاخص‌ها	ابعاد آموزه‌های دین اسلام		
												سطح کلان	سطح خرد
جامعه انسانی	جامعه اسلامی	همسایگان	دوستان	خویشاں	خانواده	جامعه انسانی	جامعه اسلامی	همسایگان	دوستان	خویشاں	خانواده		
+	+	+	+	+	+							۱ ایمان به خداوند (توحید)	اعتقادات
+	+	+	+	+	+							۲ ایمان به پیامبران الهی و حضرت محمد ﷺ (نبوت)	
+	+	+	+	+	+							۳ ایمان به روز جزا و قیامت (معاد)	
+	+	+	+	+	+							۴ ایمان به کتاب‌های آسمانی و قرآن	
+	+	+	+	+	+							۵ ایمان به امور غیبی	
						+	+	+	+	+	+	۱ احسان (نیک‌کاری)	اخلاقیات
						+	+	+	+	+	+	۲ احترام (گرامی داشتن)	
						+	+	+	+	+	+	۳ تعاون و امداد (همیاری)	
						+	+	+	+	+	+	۴ حُسن خلق (خوش اخلاقی)	
						+	+	+	+	+	+	۵ حُسن معاشرت (ادب)	
						+	+	+	+	+	+	۶ صلح و اصلاح (آشتی)	
						+	+	+	+	+	+	۷ وحدت و اتحاد (همبستگی)	
+	+	+	+	+	+							۸ تواضع (فروتنی)	
+	+	+	+	+	+							۹ حُسن ظن (خوش‌گمانی)	
+	+	+	+	+	+							۱۰ جِلم (بردباری)	
+	+	+	+	+	+							۱۱ عفو (بخشش)	
+	+	+	+	+	+							۱۲ عزّت (ارجمندی و سرافرازی)	



است که وصل به وحی است و مورد وفاق تمامی مسلمانان - اعم از شیعه و سنی و تمامی فرق اسلامی - می‌باشد. انتخاب سخنان و کلمات کوتاه امیرمؤمنان علی علیه السلام در *غررالحکم* و *درر الکلم* نیز به جهت هم‌عصری حضرت به زمان وحی می‌باشد که سخنان ایشان مورد وفاق تمامی شیعیان - از هر فرقه و گروهی - است که حضرت را به جانشینی پیامبر اسلام و امام اول قبول دارند. پیش‌فرض پژوهشگر در انتخاب متون فوق به لحاظ تقارن زمانی در عصر وحی بوده است که کلام وحی و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مورد اتفاق تمامی مسلمانان و سخنان امام علی علیه السلام مورد اتفاق شیعیان می‌باشد.

یافته‌ها

در این قسمت با توجه به دستگاه مفهومی ارائه شده، در چارچوب مفهومی به تفکیک به ابعاد آموزه‌های دین اسلام در سه بخش اعتقادات، اخلاقیات و شرعیات پرداخته می‌شود. بعد از توضیح مؤلفه‌های مربوط به هر بخش در دو بعد عینی و ذهنی سرمایه اجتماعی در سطوح خرد و کلان، با توجه به تعدد آیات و روایات ذیل هر مؤلفه، در پاورقی تنها به آدرس یک آیه از قرآن، یک سخن از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در *نهج‌الفصاحه* و یک سخن از امام علی علیه السلام در *غررالحکم* و *درر الکلم* بسنده شده است.

آموزه‌های اعتقادی دین اسلام

در این بخش آثار «ایمان» به عنوان اساسی‌ترین پایه دین اسلام در بُعد ذهنی و شناختی مطرح است که آثار آن در سطح خرد و کلان آشکار می‌شود. فرد مؤمن با تمسک به آموزه‌های دینی که در متن قرآن و سخنان پیشوایان دین آمده است، ارتباط سازنده و صمیمی خویش را در سطح خرد با اعضای خانواده، خویشان، دوستان و همسایگان به‌گونه‌ای تنظیم می‌کند که مورد رضایت خداوند باشد؛ همچنین در سطح کلان نیز با اعضای جامعه اسلامی که سرمایه اجتماعی درون گروهی است، ارتباط و پیوند نزدیک و تنگاتنگ برقرار می‌کند و در جامعه انسانی نیز بر طبق آموزه‌های دینی که انسان‌ها در خلقت و آفرینش با یکدیگر شریک‌اند،^۱ پیوند و ارتباطی سالم جهت برآوردن نیازها برقرار می‌سازد تا سرمایه اجتماعی بین گروهی شکل بگیرد.

۱. حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر مردم را به دو دسته همسان در آفرینش و برادر دینی تقسیم می‌کند: (اخ لک فی الدین، او نظیر لک فی الخلق) و رعایت حقوق همه آنان را بر حاکم واجب می‌داند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

آموزه‌های اعتقادی دین اسلام با پنج مؤلفه ایمان به خداوند، ایمان به پیامبران الهی گذشته و حضرت محمد ﷺ، ایمان به روز جزا و قیامت، ایمان به کتاب‌های آسمانی گذشته و قرآن و ایمان به امور غیبی که دارای بُعد ذهنی‌اند، در نظر گرفته شده است که با مراجعه به متن قرآن، نهج‌البلاغه و غررالحکم و دررالکلم، تعداد هر مؤلفه به دست آمده است.

در جدول ذیل پنج مؤلفه اعتقادی اسلام که دارای بعد ذهنی می‌باشند، در سطوح خرد و کلان سرمایه اجتماعی با توجه به آموزه‌های اسلامی بیان شده است.

بعد ذهنی (شناختی)						ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی	مؤلفه‌های اعتقادی اسلام
سطح کلان		سطح خرد					
جامعه انسانی	جامعه اسلامی	همسایگان	دوستان	خویشان	خانواده		
							۱ ایمان به خداوند (توحید)
							۲ ایمان به پیامبران الهی گذشته و حضرت محمد ﷺ (نبوت)
							۳ ایمان به روز جزا و قیامت (معاد)
							۴ ایمان به کتاب‌های آسمانی پیشین و قرآن
							۵ ایمان امور غیبی

جدول مؤلفه‌های اعتقادی اسلام

۱. ایمان به خداوند (توحید)

توحید و اقرار به یگانگی خداوند جزء اصول دین و زیربنایی‌ترین پایه اعتقادات در دین اسلام و تمامی ادیان آسمانی محسوب می‌شود. اصل توحید و یکتاپرستی در تمامی سطوح خرد و کلان سرمایه اجتماعی تأثیرگذار است.

قرآن: در دین هیچ اجباری نیست، راه از بیراهه به‌خوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به‌یقین به دستاویزی استوار که آن را



گسستن نیست، چنگ زده است و خداوند شنوایی داناست (بقره: ۲۵۶).
نهج الفصاحه: اسلام بر پنج چیز استوار شده است: شهادت به اینکه خدایی جز خدای
 یگانه نیست (ص ۶۴، ش ۱۰۹۵).

عمر الحکم و درر الکلم: کسی که دارای ایمان به خدا باشد، به او پناه ببرد (ج ۱، ص ۹۱،
 ش ۵۷۷).

۲. ایمان به پیامبران الهی گذشته و حضرت محمد ﷺ (نبوت)

ایمان به رسالت پیامبران الهی و پیامبر گرامی اسلام ۹ که هدف از بعثت آنان دعوت
 به توحید و اجتناب از طاغوت است، می تواند در تمامی سطوح خرد و کلان از خانواده
 گرفته تا در روابط درون گروهی مؤمنان و پیوندهای بین گروهی انسان ها تأثیر مثبت
 بگذارد.

قرآن: پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم، ایمان آورید و خدا به
 آنچه می کنید، آگاه است (تغابین: ۸).

نهج الفصاحه: به خداوند قسم پس از من کسی را نخواهید یافت که درباره شما عادل تر
 از من باشد (ص ۴۶۱، ش ۳۱۷۶).

عمر الحکم و درر الکلم: پیامبران خداوند سبحان، ترجمانان حق و سفیران میان خالق و
 مخلوق هستند (ج ۱، ص ۴۶۹، ش ۳۵۹۷).

۳. ایمان به روز جزا و قیامت (معاد)

باور به جهان جاوید و ایمان به معاد و روز قیامت موجب می شود آدمی ارتباطات و
 پیوندهای خود را با دیگران چه در سطح خرد و چه در سطح کلان بر اساس رضایت و
 خواست الهی تنظیم کند. آموزه ایمان به معاد به تثبیت و تقویت هر چه بیشتر سرمایه
 اجتماعی به ویژه سرمایه اجتماعی درون گروهی جامعه ایمانی در سطح خرد و در سطح
 کلان منجر خواهد گردید.

قرآن: خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست. به یقین در روز رستاخیز که
 هیچ شکی در آن نیست، شما را گرد خواهد آورد و راستگوتر از خداوند در سخن کیست؟
 (نساء: ۸۷).

نهج الفصاحه: روز رستاخیز مردم را بر اساس نیت هایشان بر می انگیزند (ص ۳۶۵،
 ش ۳۲۰۷).

غررالحکم و دررالكلم: کسی که چشم به راه مرگ باشد، به سوی خوبی‌ها بشتابد (ج ۲، ص ۴۴۶، ش ۹۳۹۶).

۴. ایمان به کتاب‌های آسمانی پیشین و قرآن

باور به کتاب‌های آسمانی به‌ویژه قرآن که حاوی کلام وحی است و عمل به دستورهای حیات‌بخش و زندگی‌ساز آن به عنوان کتاب هدایت موجب می‌گردد تا سرمایه اجتماعی قوی و مستحکم به‌ویژه سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در بین مسلمانان و جامعه اسلامی شکل بگیرد.

قرآن: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتاب‌هایی که از قبل نازل کرده بگروید (نساء: ۱۳۶).

نهج‌الفصاحه: پیوسته پیرو کتاب خدا باشید و بر مدار آن بچرخید (ص ۲۳۱، ش ۱۵۷۸).

غررالحکم و دررالكلم: از خداوند ایمان بخواهید و به موجب قرآن عمل کنید (ج ۲،

ص ۳۱۱، ش ۸۱۳۷).

۵. ایمان به امور غیبی

باور و ایمان به امور غیبی در کنار امور محسوس و آشکار، یکی از آموزه‌های اعتقادی دین اسلام، موجب می‌شود سرمایه اجتماعی درون‌گروهی قوی بین جامعه ایمانی شکل بگیرد.

قرآن: آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند (بقره: ۳).

نهج‌الفصاحه: شخص باید از دو فرشته خویش که با او هستند شرم کند، چنانکه از دو مرد پارسا از همسایگان خود شرم می‌کند که فرشتگان شب و روز با او هستند (ص ۳۶۲، ش ۲۳۷۲).

غررالحکم و دررالكلم: به‌راستی به همراه هر انسانی دو فرشته است که او را نگهبانی

می‌کنند (ج ۲، ص ۴۲۹، ش ۹۲۴۲).



بخش دوم: آموزه‌های اخلاقی دین اسلام

اخلاق در اسلام یکی از ارکان سه‌گانه، اسلام (عقاید، اخلاق و احکام) است. اخلاق هر گونه رفتاری نیست، بلکه رفتاری است که کمال مطلوب دارد (نراقی، ج ۱، ۱۳۸۵، ص ۳). موضوع علم اخلاق، انسان است، از این نظر که می‌تواند واجد صفات نیک یا بد باشد (اسلامی، ۱۳۷۶، ص ۳۳-۳۴). از نظر دینی اخلاقی بودن عبارت است از عمل کردن براساس قواعد وحیانی و تکالیفی که پایه و اساس آنها از جانب خداوند است (مطهری، ۱۳۶۹، ص ۴۷).

گفتنی است وجه اصلی و جوهره سرمایه اجتماعی را «اخلاق» تشکیل می‌دهد که دین نیز توانمندترین عامل مولد اخلاق است. آنچه در آموزه‌های اخلاقی دین اسلام مطرح می‌باشد، آن است که انسان خود را به فضایل و نیکی‌های اخلاقی بیاراید و رذایل و پلیدی‌های اخلاقی را از خود دور سازد تا به صفت «تقوا» که ویژگی انسان کامل است، نایل گردد. بنابراین شناخت و عمل به فضایل اخلاقی و پرهیز از رذایل اخلاقی منجر به تقویت سرمایه اجتماعی می‌گردد.

در این بخش تنها چهارده مؤلفه اخلاقی در جنبه ایجابی (فضایل اخلاقی) انتخاب شده است که در هفت مؤلفه بُعد عینی و در هفت مؤلفه دیگر بُعد ذهنی غلبه دارد.

الف) بُعد عینی مؤلفه‌های اخلاقی

در ابعاد آموزه‌ای اخلاقی دین اسلام، عنایت و توجه خاص دین اسلام را به دستورهای اخلاقی به عنوان برنامه زندگی در جهت تحکیم و پیوند اعضای جامعه اسلامی و مؤمنان شاهد هستیم.

در این قسمت تلاش شده است تا مواردی از مؤلفه‌های اخلاقی که بعد عینی و بیرونی آن غلبه دارد و در روابط و پیوندهای ملموس بین افراد قابل مشاهده است، انتخاب گردد و در سطح خرد و کلان با عنایت به کلام خداوند و سخنان پیامبر اسلام ﷺ و سخنان حضرت علی علیه السلام بررسی گردد. جدول ذیل هفت مؤلفه اخلاقی اسلام را که غلبه عینی دارد، در سطوح خرد و کلان سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد:

بعد عینی (ساختاری)						ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی مؤلفه‌های اخلاقی اسلام
سطح کلان		سطح خرد				
جامعه انسانی	جامعه اسلامی	همسایگان	دوستان	خویشاندان	خانواده	
x	x	x	x	x	x	۱ احسان (نیکوکاری)
x	x	x	x	x	x	۲ احترام (گرامی داشتن)
x	x	x	x	x	x	۳ تعاون و امداد (همیاری)
x	x	x	x	x	x	۴ حُسن خلق (خوش اخلاقی)
x	x	x	x	x	x	۵ حُسن معاشرت (ادب)
x	x	x	x	x	x	۶ صلح و اصلاح (آشتی)
x	x	x	x	x	x	۷ وحدت و اتحاد (همبستگی)

جدول مؤلفه‌های عینی اخلاقی اسلام

۱) احسان (نیکوکاری)

از آنجا که در نگاه آموزه‌های دین اسلام، به نیکی کردن و سودرسانی به عموم انسان‌ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، توصیه اکید شده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که احسان و نیکوکاری موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، هم به صورت درون‌گروهی و هم به صورت بین‌گروهی خواهد شد که به استحکام هرچه بیشتر روابط و پیوندها، هم در جامعه اسلامی و هم در جامعه بشری منجر خواهد گردید.

قرآن: و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و دربارهٔ خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه‌مانده و بردگان خود نیکی کنید که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد (نساء: ۳۶).



نهج الفصاحه: به نیکی کوش که نیکوکار دوست دارد مردم در خیر و فراوانی باشند (ص ۳۰۱، ش ۱۹۶۰).

غرر الحکم و درر الکلم: کسی که به مردم احسان کند، محبت و دوستی آنان با او پاینده خواهد شد (ج ۱، ص ۲۶۵، ش ۱۸۷۵).

۲) احترام (گرامی داشتن)

گرامی داشتن و حرمت نگه داشتن دیگران به ویژه مسلمانان و مؤمنان که مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است، به شکل گیری سرمایه اجتماعی درون گروهی در میان جامعه اسلامی منجر می‌گردد که موجب تقویت روابط افراد و ایجاد پیوند و تشکیل شبکه‌های منسجم به ویژه در میان مسلمانان و مؤمنان می‌گردد.

قرآن: و از سر مهربانی، بال مهربانی بر مادر و پدر خود بگستر (اسراء: ۲۴).

نهج الفصاحه: وقتی بزرگ طایفه‌ای پیش شما آمد، او را بزرگ شمارید (ص ۳۲، ش ۱۳۲).

غرر الحکم و درر الکلم: خویشاوندان را گرامی بدار که اینها بال و پر تو هستند که بدان پرواز می‌کنی و اصل و ریشه تو هستند که بازگشت تو به سوی آنهاست و دست و بازوی تو هستند که بدان حمله کنی (ج ۱، ص ۴۶۰).

۳) تعاون و امداد (همیاری)

در آموزه‌های دین اسلام بر اصل تعاون و همیاری جهت رفع مشکلات گوناگون و برآوردن نیازمندی‌ها در جامعه اسلامی تأکید شده است. یاری و کمک مسلمانان به یکدیگر برای تأمین نیازها و حل مشکلات موجود در جامعه، موجب شکل‌گیری روابط صمیمی و پایدار و ایجاد پیوند بین مسلمانان و مؤمنان می‌گردد که به تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی در جامعه اسلامی منجر می‌گردد.

قرآن: ای کسانی که ایمان آورده‌اید... در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید (مائده: ۲).

نهج الفصاحه: برادر خود را همیاری کن، چه ستمگر باشد و چه ستمدیده؛ اگر ستمگر است او را از ستم باز دار و اگر ستمدیده است، او را یاری کن (ص ۹۱، ش ۵۶۱).

غرر الحکم و درر الکلم: بهترین عدالت، یاری دادن ستمدیده است (ص ۴۷۵، ش ۹۶۴۰).

۴) حُسن خلق (خوش برخوردی)

خوش اخلاقی، برخورد نیکو در معاشرت با دیگران، داشتن زبان نرم و خوش از اصول اخلاقی اسلام در برخورد با انسان هاست. خداوند در بیانی صریح و بی ابهام و به صورت مطلق سفارش می کند که با مردم به نیکویی سخن بگویند (مرادی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۸). خوش اخلاقی و برخورد نیکو با دیگران موجب رفع کینه و کدورت و در نتیجه نزدیکی افراد به یکدیگر می گردد. این امر منجر به تقویت سرمایه اجتماعی هم به شکل درون گروهی و هم به شکل برون گروهی می گردد.^۱

قرآن کریم: و نیکی با بدی یکسان نیست. بدی را با آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد (فصلت: ۳۴).

نهج الفصاحه: خوش همسایگی مایه آبادی شهرها و درازی عمرهاست (ص ۲۱۰، ش ۱۳۷۱).

غرر الحکم و درر الکلم: بر تو باد به گشاده رویی که آن کمند محبت است (ج ۱، ص ۱۵۹، ش ۹۲۸).

۵) حُسن معاشرت (ادب)

در آموزه های دین اسلام امر شده است که در برخورد با دیگران ادب را رعایت کنید و از اهانت به مقدسات دیگران حتی مشرکان اجتناب نمایید.^۲ سفارش قرآن بر این است که حتی الامکان پاسخ بدی، خوبی باشد.^۳ همچنین تصریح شده است که بندگان مؤمن هنگامی که لغوی را می بینند از آن با بزرگواری می گذرند.^۴ نتیجه چنین برخوردی، حصول مودت و رفع کینه ها و دشمنی هاست. معاشرت نیکو و پسندیده با دیگران که از دستورهای دین اسلام است، نه تنها منجر به شکل گیری و تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی در جامعه اسلامی خواهد شد، بلکه سرمایه اجتماعی بین گروهی را در جامعه بشری تقویت خواهد کرد و موجب همزیستی مسالمت آمیز آحاد مردم خواهد گردید.

۱. عنکبوت: ۴۶. نهج الفصاحه، ص ۲۱۰، ش ۱۳۷۵. آمدی غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۵۹، ش ۹۲۸.

۲. انعام: ۱۰۸.

۳. فصلت: ۳۴ و ۳۵.

۴. قصص: ۵۵.



قرآن: و با مردم با زبان خوش سخن بگویند (بقره: ۱۳).

نهج الفصاحه: هیچ پدری سرمایه‌ای بهتر از ادب نیک به فرزند خود نداده است (ص ۳۸۶، ش ۲۵۸۲).

عزرا الحکم و درر الکلم: مصاحبت دوست عاقل، حیات و زندگی روح است (ج ۱، ص ۶۲۷، ش ۴۹۷۱).

۶) صلح و اصلاح (آشتی)

آموزه‌های دین اسلام در چارچوب تعلیم و تربیت اسلامی خویش تلاش کرده است تا حس صلح‌جویی و اصلاح‌طلبی را در وجود مردم پرورش دهد. بر این اساس، اسلام در تعلیم اجتماعی خویش به صلح و صلاح و اصلاح به‌ویژه در میان برادران دینی با تعبیر «اصلاح ذات‌بین» تأکید کرده است. پایبندی به اصول صلح و صلاح و اصلاح در تمامی سطوح خرد و کلان به تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و برون‌گروهی منجر خواهد شد.

قرآن: و اگر به صلح گراییدند، تو نیز بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست. (انفال: ۶۱).

نهج الفصاحه: از خدا پروا کنید و میان خویشان خود را اصلاح کنید (ص ۲۲، ش ۴۹).
عزرا الحکم و درر الکلم: کسی که با مردم با مسالمت رفتار کند، دوستانش بسیار و دشمنانش اندک شود (ج ۱، ص ۵۴۰، ش ۴۲۰۱).

۷) وحدت (همبستگی)

قرآن به مسئله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگرسته و بر اهمیت اتحاد در میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تأکید کرده است و پیوند میان دل‌های مؤمنان را نوعی تصرف الهی می‌شمارد. وحدت و همبستگی میان مسلمانان در وهله نخست به پیدایی و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منجر می‌گردد که در مرحله بعد با اتحاد مسلمانان با پیروان دیگر ادیان الهی بر اساس توحید به تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی منجر می‌گردد.

قرآن: و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است (انفال: ۴۶).

نهج الفصاحه: جماعت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است (ص ۲۰۴، ش ۱۲۲۳).

عزیر الحکم و در الکلم: پیوند و اتحاد با خویشان، محبت و دوستی می آورد (ج ۱، ص ۴۶۲، ش ۳۵۴۴).

ب. بعد ذهنی مؤلفه‌های اخلاقی

در این قسمت از آموزه‌های اخلاقی دین اسلام، مواردی از مؤلفه‌های اخلاقی اسلام انتخاب شده است که دارای غلبه بعد ذهنی‌اند؛ یعنی در واقع بیشتر امور درونی‌اند که تثبیت هر کدام از این مؤلفه‌ها در قلب آدمی موجب تأثیر بیرونی در ارتباط و پیوند هر چه بیشتر و بهتر فرد با سایر افراد در جامعه می‌گردد. این امر در نهایت به شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی در مرحله نخست در بین مسلمانان و مؤمنان در جامعه اسلامی می‌انجامد و در مرحله بعد به تقویت سرمایه اجتماعی در بین انسان‌ها در جامعه انسانی. جدول ذیل هفت مؤلفه اخلاقی اسلام را که غلبه ذهنی دارند، در سطوح خرد و کلان سرمایه اجتماعی می‌نماید.

ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی		بعد ذهنی (شناختی)					
		سطح کلان		سطح خرد			
مؤلفه‌های اخلاقی اسلام		جامعه انسانی (انسان‌ها)	جامعه اسلامی (مسلمانان)	همسایگان	دوستان	خویشان	خانواده
		۱	تواضع (فروتنی)	×	×	×	×
۲	حُسن ظن (خوش‌گمانی)	×	×	×	×	×	×
۳	جِلم (بردباری)	×	×	×	×	×	×
۴	عفو (بخشش)	×	×	×	×	×	×
۵	عزت (ارجمندی و سرافرازی)	×	×	×	×	×	×
۶	کرامت (شرافت و بزرگواری)	×	×	×	×	×	×
۷	محبت و دوستی (همبستگی)	×	×	×	×	×	×

جدول مؤلفه‌های ذهنی اخلاقی اسلامی



۱. تواضع (فروتنی)

تواضع و فروتنی یکی از صفات پسندیده است که اگر آدمی در درون خود متخلّق به این صفت نیکو گردد، بروز بیرونی آن در رفتارهای وی با دیگران می‌باشد (فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۵۱-۲۴۷). با نگاه به آموزه‌های اسلامی در می‌یابیم خاستگاه اصلی تواضع جامعه اسلامی و ایمانی است که در نتیجه به تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی در سطوح خرد و کلان در جامعه اسلامی منجر می‌گردد. **قرآن:** و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام بر می‌دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند (فرقان: ۶۳). **نهج‌الفصاحه:** تواضع کنید که تواضع در دل است و مسلمان نباید مسلمان را آزار دهد (ص ۳۰۲، ش ۱۹۷۰).

غررالحکم و دررالكلم: زنهار روی خود را از روی تکبر از مردم مگردان و با مردم نرمی و فروتنی کن از برای خداوندی که تو را بلند کرده است (ج ۲، ص ۵۴۳، ش ۱۰۲۳۵).

۲. حسن ظن (خوش گمانی)

حسن ظن و خوش گمانی یکی از صفات شایسته اخلاقی است که در آموزه‌های دین اسلام به آن تأکید شده است. خوش گمانی امری درونی و قلبی است که آثار بیرونی آن در رفتار با مردم مشخص می‌گردد و موجب ایجاد روابط صمیمی بین افراد خواهد شد. این امر باعث تقویت سرمایه اجتماعی به‌ویژه سرمایه اجتماعی درون گروهی خواهد شد. **قرآن:** ای ایمان‌آوردگان، از بسیاری گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است (حجرات: ۱۲).

نهج‌الفصاحه: خوش گمانی به دیگران از نیکی عبادت است (ص ۲۱۱، ش ۱۳۷۹). **غررالحکم و دررالكلم:** کسی که گمانش به مردم نیکو باشد، دوستی و محبت آنان را دریافت می‌کند (ج ۲، ص ۶۶، ش ۵۹۰۹).

۳. حلم (بردباری)

حلم آرامش نفس است، به‌طوری که غضب به آسانی آدمی را حرکت ندهد و ناملایمات او را به‌زودی آشفته و مضطرب نسازد (نراقی، مهدی و مجتبی‌وی، سید جلال‌الدین، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۳۶۰). حلم و بردباری در برخورد با سایر افراد چه در سطح خرد و چه در سطح کلان موجب نزدیکی دل‌ها و ایجاد پیوند و روابط صمیمی و نزدیک افراد می‌گردد که به

تشکیل سرمایه اجتماعی و تقویت آن به ویژه سرمایه اجتماعی درون گروهی می‌انجامد و موجب استحکام پایه‌های روابط اجتماعی و در نتیجه شکوفایی جامعه اسلامی خواهد گردید.

قرآن: ای پروردگار من، مرا فرزندی از صالحان بخش. پس او را به پسری بردبار مژده دادیم (صافات: ۱۰۰ و ۱۰۱).

نهج‌الفصاحه: عاقل آن است که با سبکسر و نادان بردباری کند (ص ۲۸۲، ش ۱۸۳۶).
غررالحکم و دررالكلم: با حلم و بردباری، یاران و دوستان زیاد گردند (ج ۱، ص ۲۹۴، ش ۲۱۴۱).

۴. عفو (بخشش)

عفو و بخشش بستری برای ایجاد دوستی‌ها و پیوندهای محکم است و منجر به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت آن به‌ویژه نوع سرمایه اجتماعی درون گروهی در جامعه اسلامی خواهد شد. از طرف دیگر گذشت و مدارای آگاهانه در برابر دیگران حتی مخالفان و اقلیت‌های دینی که از توصیه‌ها و تعالیم دین است، به ایجاد سرمایه اجتماعی برون گروهی منتهی می‌شود.

قرآن: پس هر که در گذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر عهده خداست (شوری: ۴۰).
نهج‌الفصاحه: همدیگر را ببخشید تا کینه‌هایتان از میان برخیزد (ص ۱۷۲، ش ۱۱۵۵).
غررالحکم و دررالكلم: گذشت بهترین یادگیری است (ج ۲، ص ۱۳۱، ش ۱۵۲۵).

۵. عزت

از آنجا که مؤمن در آموزه‌های دینی عزیز است و عزیز به انسان نفوذناپذیر می‌گویند؛ یعنی کسی که تحت تأثیر ثروت، قدرت، مقام و شهرت قرار نخواهد گرفت و با تهدید و تطمیع نمی‌توان در او نفوذ پیدا کرد و او را از پا در آورد. بنابراین مؤمن دارای عزت نفس است که همچون کوه با صلابت و استوار است. شخص برخوردار از عزت نفس، رابطه صمیمی خود را با افراد هم‌کیش و هم‌آیین خویش و دیگر افراد بر اساس رضایت الهی تنظیم خواهد کرد. همچنین رفتارهای عزت‌منشانه مؤمن در جامعه اسلامی و پیوندهای وی در شبکه‌های اجتماعی موجب می‌گردد سرمایه اجتماعی درون گروهی در روابط و پیوندهای خرد و کلان در سطح جامعه ایمانی شکل بگیرد.

قرآن: و هر که بر خدا توکل کند، بداند که در حقیقت خدا عزیز و شکست‌ناپذیر حکیم

است (انفال: ۴۹).

نهج‌الفصاحه: بهترین کارهای نیک آن است که دوستان و همنشینان را عزیز بداری (ص ۶۷، ش ۳۹۶).

غررالحکم و دررالكلم: عزت دسترسی پیدا کردن به پیروزی است (ج ۲، ص ۱۱۸، ش ۶۳۹۷).

۶. کرامت

انسان با ائتصاف به صفت اخلاقی کرامت و بزرگواری و دوری از پستی و دناوت، شخصیتی را برای خود قایل خواهد بود که خداوند برای او با عنوان «خلیفه الله» رقم زده است. انسان کریم و بزرگوار به شخصیت و کرامت انسان‌ها ارج می‌نهد و روابط اجتماعی و پیوندهای خود را در سطوح خُرد و کلان جامعه بر اساس این ویژگی شکل می‌دهد؛ این امر به تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی در جامعه اسلامی و سرمایه اجتماعی برون گروهی در جامعه جهانی منجر خواهد شد.

قرآن: و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند (فرقان: ۷۲).

نهج‌الفصاحه: فرزندان خود را گرامی شمارید و نیکو تربیتشان کنید (ص ۷۴، ش ۴۵۱).

غررالحکم و دررالكلم: کسی که کرم و بزرگواری دارد، خصلت‌هایش زیبا، احسان‌کننده نعمت‌ها و پیونددهنده خویشاوندی است (ج ۲، ص ۳۷۸، ش ۱۷۸۱).

۷. محبت و دوستی (اخوت)

از تعالیم دینی بر می‌آید که عزت و شکوه ملت در گرو اُلفت دل‌های افراد آن است. در واقع در بسیاری از آداب اجتماعی و قوانین حیات جمعی که در دین اسلام وجود دارد، مهر و محبت محور قرار گرفته است. محبت و دوستی سایه اتحاد و اتفاق افراد در جامعه می‌باشد.

تعامل سالم و همگرایی که در سایه اخوت ایمانی شکل می‌گیرد، همچنین دوستی مسلمانان و مهرورزی اهل ایمان با یکدیگر موجب می‌گردد نه تنها جامعه‌ای منسجم شکل بگیرد، بلکه افراد جامعه به صورت پیکر واحدی در می‌آیند که با اتحاد و همدلی، یار و یاور یکدیگر می‌باشند؛ بنابراین برادری دینی و محبت و دوستی حاکم در جامعه اسلامی در سطح خُرد و کلان موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی درون گروهی و تقویت آن خواهد گردید.



قرآن: و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند (توبه: ۷۱).

نهج الفصاحه: اساس عقل پس از ایمان به خدا دوستی با مردم و نیکوکاری با خوب و بد است (ص ۲۴۹، ش ۱۶۳۶).

غرر الحکم و درر الکلم: دوستی در راه خدا از پیوند خویشاوندی محکم تر است (ج ۱، ص ۲۱۶، ش ۱۴۳۸).

بخش سوم: آموزه‌های احکامی دین اسلام

احکام در اسلام یکی از ارکان سه‌گانه اسلام (عقاید و اخلاق و احکام) است. احکام و فقه اسلام به دو بخش فردی و جمعی قابل تقسیم است. عبادت‌های فردی نسبت به عبادت‌های جمعی در اسلام بسیار محدود و اندک است؛ اما مردم در همین عبادت‌ها هم تشویق به پرداختن به امور مردم و رسیدگی به حال آنان، خدمت به بندگان خدا، مهربانی و مهرورزی به آنان، دعا برای دیگران شده‌اند که پیوستگی و ارتباط و پیوند با جمع و دیگران را که همان سرمایه اجتماعی است، شاهد هستیم. با نگاه به تعالیم و دستورهای آسمانی اسلام می‌توان ابعاد اجتماعی آن را از سه منظر کلی بررسی کرد:

۱. بخشی از احکام و تعالیم اسلام به‌گونه‌ای که اجرا و اقامه آنها بی‌شکل‌گیری جامعه و حضور مردم در عرصه اجتماعی مقدور و میسر نیست؛ نظیر جهاد، حج، نماز جمعه و امر به معروف و نهی از منکر^۱ که این دسته از تعالیم و احکام اسلام اجتماعی محض‌اند؛ پس بستر اجرای آنها، جامعه انسانی است.

۲. در برخی تعالیم اسلام به اجتماع تصریح نشده است؛ لیکن شارع غیرمستقیم حضور مردم را لازم شمرده است؛ مانند نماز جماعت^۲ ظهور این دسته از تعالیم الهی، اجتماع انسانی را طلب می‌کند و بی‌وجود جامعه هر چند تحقق دارند، جلوه و ظهور کامل ندارند.

۳. دستورها و تعالیم کلی اسلام یعنی خطوط کلی اسلام، مهم‌ترین بخش دین است که اجتماعی است. اجتماعی بودن خطوط اصلی و کلی دین به این معناست که اساس

۱. ر.ک: آل عمران: ۱۱۰. حج: ۲۷.

۲. موارد دیگری مانند رسیدگی به مشکلات دیگران، عیادت بیماران، برآوردن حاجت‌های مسلمانان، پرهیز از تعاون در اثم و عدوان، تعاون در قسط و عدل، تشییع جنازه، دادن قرض الحسنه به یکدیگر و بسیاری از امور و احکام اخلاقی که تجلی و ظهور آنها فقط در جامعه است، شامل این قسم می‌گردد.



اسلام بر مبنای فطرت انسانی، اجتماعی و به عبارتی در جامعه اجرایشده است. گذشته از اینکه بخش عظیمی از اصول و کلیات دین اجتماعی است، جنبه‌های عبادی و اخلاقی آن در این جهت تشریح شده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶-۲۱۱).

بُعد عینی مؤلفه‌ها و شاخص‌های احکام

در این بخش پنج مؤلفه و شاخص از شرعیات (احکام و مناسک) که دارای بُعد عینی و ملموس‌اند، انتخاب شده است که در بیشتر موارد - نماز جماعت و نماز جمعه، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و انفاق - تقید و عمل کردن به هر مورد موجب پیوستگی و همبستگی جامعه اسلامی (مسلمانان و مؤمنان) و در نتیجه شکل‌گیری و افزایش سرمایه اجتماعی درون‌گروهی خواهد شد. برخی موارد مانند انفاق علاوه بر تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با مصادیقی که برای آن در نظر گرفته شده است - مانند لزوم انفاق مال در راه رفع نیازمندان، مهاجران و غیرمسلمانان - موجب شکل‌گیری سرمایه اجتماعی بین‌گروهی و تقویت آن خواهد شد. این پنج مؤلفه در جدول ذیل در سطوح خرد و کلان سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است.

بعد عینی (ساختاری)						ابعاد و سطوح سرمایه اجتماعی	مؤلفه‌های بُعد احکامی اسلام
سطح کلان		سطح خرد					
جامعه انسانی	جامعه اسلامی	همسایگان	دوستان	خویشاندان	خانواده		
x	x	x	x	x	x	۱	نماز جماعت و نماز جمعه
x	x	x	x	x	x	۲	حج
x	x	x	x	x	x	۳	جهاد
x	x	x	x	x	x	۴	امر به معروف و نهی از منکر
x	x	x	x	x	x	۵	انفاق

جدول مؤلفه‌های احکام اسلام

۱. نماز جماعت و نماز جمعه

تأکید آموزه‌های اسلام بر اهمیت و برگزاری نمازهای یومیه به صورت جماعت، ارتباط

مستمر مسلمانان و مؤمنان را موجب می‌گردد. این حضور در نماز جماعت و نماز جمعه باعث می‌شود مؤمنان از مسایل روز جامعه و نیازها و مشکلات یکدیگر باخبر شوند. این امر به تحکیم روابط و پیوندها در جامعه اسلامی منجر خواهد شد و در نتیجه منجر به تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در جوامع اسلامی خواهد شد.

قرآن: و نماز را بر پا دارید و زکات را بدهید و با رکوع‌کنندگان رکوع کنید (بقره: ۴۳).
نهج‌الفصاحه: وقتی کسی در نماز پیشوای مردم (امام جماعت) شد، نماز را کوتاه کند که در میان نمازگزاران، کوچک و بزرگ و بیمار و ناتوان و حاجتمند به سر می‌برند و هر وقت برای خود نماز گزارد هرچند خواهد طول دهد (ص ۴۰، ش ۱۸۶).
غررالحکم و دررالكلم: نماز دژ محکم خدای رحمان و وسیله‌ای برای دور کردن شیطان است (ج ۱، ص ۵۱، ش ۵۲۰۶).

۲. حج

حج از تعالیم اجتماعی اسلام است. موضوع حج در اسلام به‌گونه‌ای تنظیم شده است که بدون جمع و اجتماع تحقق پیدا نمی‌کند؛ مانند مواقع آن از قبیل عرفات، مشعر، منا که باید در زمان و مکان واحد گروهی انجام شود (همان، ص ۲۵۱).
حضور یکپارچه و یکدست مردم مسلمان از سراسر جهان در مراسم باشکوه حج بیانگر همبستگی قوی در بین مسلمانان است که تولید سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در جامعه اسلامی می‌کند که می‌تواند ذخیره مناسبی برای امت اسلامی محسوب گردد و با برنامه‌ریزی در سطح کلان می‌تواند حواجی و نیازهای مسلمانان را برآورده سازد و مشکلات آنان را رفع نماید و به پیشرفت و تعالی جامعه یاری رساند.
قرآن: خداوند زیارت کعبه بیت‌الحرام را وسیله به‌پاداشتن مصالح مردم قرار داده است (مانده: ۹۷).

نهج‌الفصاحه: به حج روید تا بی‌نیاز شوید و سفر کنید تا سالم بمانید (ص ۲۰۱، ش ۱۳۴۹).
غررالحکم و دررالكلم: زیارت خانه خدا امنیت از عذاب دوزخ است (ج ۱، ص ۲۲۴، ش ۱۴۹۷).

۳. جهاد

مبارزه با دشمنان دین از مهم‌ترین ابعاد اجتماعی اسلام است. فریضه جهاد در اسلام



بی‌وجود اجتماع تحقق نمی‌پذیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهاد با دشمنان دین را مایه عزت مسلمانان دانسته است. جهاد در اسلام بسیار اهمیت دارد؛ لیکن باید دانست اصل اولی در حیات اجتماعی اسلام، صلح و صفا و صمیمیت است، نه جنگ و جهاد و عداوت. روح جهاد، هرچند ابتدایی هم باشد، به دفاع باز می‌گردد و بازگشت دفاع با تحلیل عمیق به دفع مزاحم است؛ زیرا مستکبران همواره مانع نفوذ تبلیغی اسلام‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۰-۲۵۹).

جهاد یکی از آموزه‌های عملی دین اسلام است که مسلمانان را زیر یک پرچم برای مبارزه با دشمنان و کسانی که مانع تعالی جامعه اسلامی و مسلمانان می‌باشند، گرد هم می‌آورد که این امر به تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی درون گروهی در جامعه اسلامی منجر می‌گردد.

قرآن: و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید؛ ولی از اندازه در نگذیرید؛ زیرا خداوند تجاوزگران را دوست نمی‌دارد (بقره: ۱۹۰).

نهج الفصاحه: اوج مسلمانی جهاد در راه خداست که جز مسلمانان برجسته بدان نرسند (ص ۲۴۶، ش ۱۶۱۹).

غررالحکم و درر الکلم: هان! بدانید که خداوند مرا مأمور کرده است به جنگیدن و پیکار با پیمان‌شکنان و سرکشان و فسادگران در زمین (ح ۱، ص ۲۰۱، ش ۱۳۰۲).

۴. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از فروع و ضروریات اسلام محسوب می‌گردد که علاوه بر اهمیت و جایگاه ویژه و حیاتی از ضرورت عقلانی برخوردار است. انسان از آن‌رو که موجودی اجتماعی است، سرنوشت خود را با سرنوشت دیگران گره خورده می‌یابد به گونه‌ای که هر فردی در جامعه، هم از رفتار دیگران متأثر می‌شود و هم بر دیگران تأثیر می‌گذارد. از این‌رو افزون بر اصلاح نفس باید در اصلاح دیگران نیز کوشید؛ چراکه بی‌توجهی به رفتار دیگران نوعی بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است. بدیهی است اگر فساد و آلودگی فراگیر شود و جامعه را به ورطه تباهی سوق دهد، او نیز از این خطر مصون نمی‌ماند و آتش آن دامن او را نیز خواهد گرفت.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان دو اصل نظارتی و کنترلی از ویژگی‌های جامعه اسلامی است که مسلمانان در درون جامعه اسلامی یکدیگر را به ارزش‌های والای دینی و انسانی فرا می‌خوانند و از ضدارزش‌ها باز می‌دارند. در نتیجه پایبندی به این دو اصل

ارزشمند اسلامی موجب می‌شود در جامعه اسلامی، سرمایه اجتماعی درون‌گروهی تثبیت و تقویت گردد.

قرآن: و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کار پسندیده و می‌دارند و از کار ناپسند باز می‌دارند (توبه: ۷۱).

نهج‌الفصاحه: به نیکی و دارید و از بدی باز دارید، وگرنه خدا بدانتان را بر شما مسلط می‌کند و وقتی نیکانتان دعا کنند، استجابت نشود (ص ۳۴۲، ش ۲۲۱۸).

غررالحکم و دررالكلم: به معروف (کارنیک) فرمان‌دهنده و از منکر (کار زشت) بازدارنده باش و با کسی که از تو بریده، پیونددهنده و به کسی که تو را محروم کرده، بخشنده باش (ج ۱، ص ۹۹، ش ۵۸۷).

۵. انفاق

یکی از راهکارهای مهم انفاق، رفع مشکل قشر فقیر و محروم در جامعه اسلامی است که این امر به تشکیل و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی منجر خواهد شد. درضمن موارد مصرف انفاق به غیرمسلمانان، موجب تقویت سرمایه اجتماعی بین‌گروهی نیز خواهد شد.

قرآن: به آن بندگان که ایمان آورده‌اند، بگو نماز را بر پای دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند (ابراهیم: ۳۱).

نهج‌الفصاحه: بهترین مردم، مؤمن فقیری است که به قدر توانایی خود انفاق کند (ص ۲۲۸، ش ۱۵۰۱).

غررالحکم و دررالكلم: هیچ کس را از دنیایش بهره‌ای نباشد، مگر آنچه را برای آخرت خود انفاق کرده است (ج ۲، ص ۵۱۸، ش ۹۹۹۷).

نتیجه

دین و آموزه‌های دینی از عوامل مهم و اساسی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و تقویت آن در ابعاد ذهنی و عینی و در سطوح خرد و کلان اجتماع و سیاست است که به کارایی و توانمندی نهادهای اجتماعی و سیاسی قوت و توان خاصی می‌بخشد. در آموزه‌های دین اسلام، عناصر، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از جنس سرمایه اجتماعی وجود دارد که در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و فقهی متبلور می‌گردند. آنچه موجب تمایز نظریه سرمایه اجتماعی در آموزه‌های اسلامی با نظریه‌های متعارف سرمایه اجتماعی می‌شود، لحاظ رضایت الهی و تأکید خاص بر اعتماد و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی مسلمانان است. از عوامل مقوی حکمروایی خوب اجتماعی و سیاسی، سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه‌ای که آموزه‌های دینی بستر و محملی مناسب برای بسط و ترویج آن‌اند. محیط مساعد حقوقی و اداری نیز عاملی است که شهروندان را ترغیب به کمک، همکاری و مشارکت در امور شهری جهت به‌کارگیری سیاست‌های اجتماعی عام‌گرایانه تا خاص‌گرایانه می‌کند؛ زیرا سیاست‌های خاص‌گرایانه موجب نادیده‌گرفتن بخش‌هایی از اجتماع می‌شود که موجب تقویت تفرقه‌افکنی و در مواردی طرد اجتماعی می‌شوند که محل انسجام و سرمایه اجتماعی عام‌گرایانه هستند. در آموزه‌های اعتقادی اسلام، مؤلفه‌هایی ذهنی درباره ایمان و باور وجود دارد که بازگشت همه به اصل یکتاپرستی است. فرد موحد با تنظیم تمامی روابط خود در سطوح خرد و کلان، رضایت خداوند را مدّ نظر دارد. تنظیم روابط یادشده به تثبیت و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی با مسلمانان در وهله نخست ختم می‌شود و در مرحله بعد با گسترش روابط با دیگر انسان‌ها، بر اساس تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز، سرمایه اجتماعی بین‌گروهی شکل خواهد گرفت. در آموزه‌های اخلاقی اسلام، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی در زمینه انصاف به فضایل و نیکی‌های اخلاقی و پرهیز از رذایل و زشتی‌های اخلاقی وجود دارد. عمل فرد مسلمان به دستورهای اخلاقی، در ارتباط با دیگر مسلمانان، موجب شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی درون‌گروهی می‌شود؛ همچنین برقراری روابط شایسته با غیرمسلمانان و زندگی مسالمت‌آمیز همراه با تفاهم موجب پیدایی و افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی می‌شود. در آموزه‌های فقهی اسلام نیز مؤلفه‌هایی در بعد عینی وجود دارد که به سرمایه اجتماعی و سیاسی داخلی و درون‌گروهی تمامی مسلمانان منجر می‌گردد؛ چنان‌که مواردی مانند انفاق به همه افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان منتهی به ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی و سیاسی خارجی می‌شود.



کتابنامه

- اسلامی، رضا، *درآمدی بر اخلاق اسلامی*، قم: نشر خرم، ۱۳۷۶.
- اسماعیل‌زاده، حسن و مجتبی همتی، «حکمروایی خوب، راه چاره تحقق شهر خوب»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۸۸.
- آمدی، غررالاحکم و دررالکلم، به قلم سیدهاشم رسولی محلاتی، ۲مجلد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- باولز، سامویل، «سرمایه اجتماعی حکمرانی و جامعه»، کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه، ۱۳۸۹.
- پاسی، اندرو و فران تونکیس، «اعتماد، انجمن داوطلبانه و جامعه مدنی»، کتاب اعتماد و سرمایه اجتماعی، تألیف فران تونکیس، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷.
- جوادی آملی، عبدالله، *جامعه در قرآن*، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸.
- خلیقان، عباس، «دین و سرمایه اجتماعی»، رشد علوم اجتماعی، دوره ۱۲، ش ۲.
- خمینی، روح‌الله، *صحیفه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵.
- سلیگمن، آدام، «اعتماد، انجمن داوطلبانه و جامعه مدنی»، کتاب اعتماد و سرمایه اجتماعی، تألیف فران تونکیس، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۷.
- شایگان، فریبا، *بررسی رابطه دینداری و اعتماد سیاسی*، رساله دکترای جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۶.
- شریعتی، علی، «تحلیلی از مناسک حج»، مجموعه آثار ۶، تهران: حسینیه ارشاد، [بی تا].
- صالحی امیری، سیدرضا، *سرمایه اجتماعی*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۷.
- فیلد، جان، *سرمایه اجتماعی*، ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رضائی، تهران: کویر، ۱۳۸۶.
- قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، تحقیق و نشر دارالقرآن الکریم، «دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۵ق.

- قلی‌پور، رحمت‌الله، «تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت در ایران»، نشریه دانش مدیریت، ش ۶۷.
- کلمن، جیمز، بنیادهای نظریه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
- گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی (ارزش‌های رفتاری)، ج ۲، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷.
- محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، قم: انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۹۴ق.
- مرادی، محمد، قرآن، انسان، وفاق، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- مطهری، مرتضی، «سیری در نهج‌البلاغه»، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران: صدرا، ۱۳۹۲.
- _____، مجموعه آثار، ج ۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نراقی، مهدی، جامع‌السعادات، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی، ج ۱، تهران: حکمت، ۱۳۸۵.
- نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقی امیرالمؤمنین، ۱۳۸۲.
- نهج‌البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
- نهج‌الفصاحه، به کوشش علی شیروانی، تهران: انتشارات دارالفکر، ۱۳۸۶.
- هلد، دیوید، مدل‌های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات روشنگران، ۱۳۸۴.
- Bourdieu, P, *The forms of capital in hand book of theory and research for the sociology of education*, greenwood press, New York, 1986.
- Coleman, James, *Foundation of social theory*, Cambridge: Harvard university press, 1990.
- Putnam, Robert, *Bowling Alone: The collapse and revival of American community*, Touchstone Book, Published by Simon and Schuster, New York, 2000.
- The World Bank, *The State In A Changing World*, Oxford University Press, 1997.

